

باز

زبان کوچکی که حرف‌های خوب می‌زد

نوشته‌ی: فریبا کلهر
تصویرساز: فرید آمالی



نگارین
Negarneh



ISBN:978-964-8935-35-6



9 789648 935356

سرشناسه: کلهر، فریبا، ۱۳۴۰-

عنوان و پدیدآور: زبان کوچکی که حرف های خوب می زد/

نوشته ی فریبا کلهر؛

تصویرساز فرید آمالی.

مشخصات نشر: تهران: نگارینه، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۶ ص. مصور (رنگی)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۳۵-۳۵-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: گروه سنی: الف، ب.

موضوع: داستان های حیوان ها

شناسه افزوده: آمالی، فرید، ۱۳۶۱، تصویرساز

رده بندی دیویی: ۱۳۹۰ ز ۶۵۷ ک ۵۹۰ دا

شماره کتابخانه ملی: ۲۴۸۰۲۲۷

نام کتاب | زبان کوچکی که حرف های خوب می زد

نوشته ی | فریبا کلهر

تصویرساز | فرید آمالی

چاپ اول | ۱۳۹۲ تهران

طراح گرافیک | منصور جام شیر

شمارگان | ۲۰۰۰ جلد

نشر نگارینه: تهران، شمال شرق میدان هفت تیر

کوی نظامی، شماره ۲۵، کدپستی ۱۵۷۵۶۳۵۹۱۱

تلفن: ۸۸۳۱۰۰۷۱ - ۸۸۳۱۵۰۵۱ - ۸۸۸۲۸۷۸۸

نمابر: ۸۸۳۰۷۲۷۸ | www.negarineh.com

حق هرگونه چاپ و تکثیر فقط برای نشر نگارینه محفوظ است.

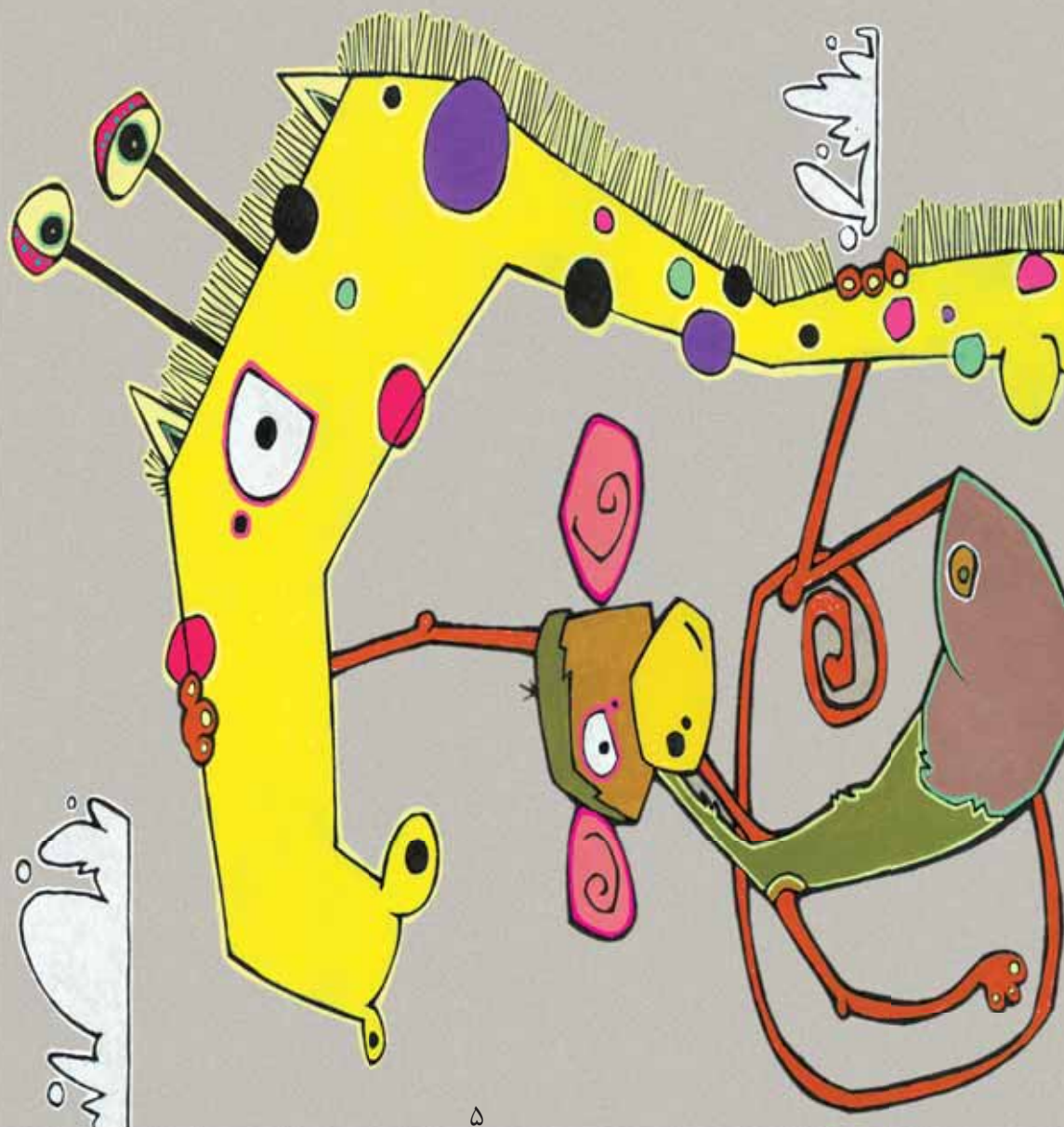




سنجاب کوچولو، گنجشك و میمون، روی درختی زندگی می کردند.
آن ها دوستان خوب و مهربانی بودند. با خوبی و خوشی با هم زندگی
می کردند و می گفتند و می خندیدند. يك روز كه فقط میمون روی درخت
بود، زرافه ای به درخت نزدیک شد.



میمون زرافه را دید که دسته دسته، برگ ها را می کند و می خورد. برای هم
این، جلورفت و داد زد: «تو که داری همه ی برگ ها را می خوری!»
زرّافه، همان طور که برگ ها را می جوید، گفت: «پس فکر کردی دارم برگ ها
را بو می کنم؟ غذای ما زرافه ها برگ درخت است.»



میمون چند تا نارگیل سفت و مُحکم آورد و به سر و گردن زرافه زد.
زرافه گفت: «من حوصله‌ی بازی ندارم! برو با هم قَدّ خودت بازی کن.»
میمون با خودش گفت: «باید دُنبال سنجاب و گُنجشک بروم. شاید
آن‌ها بتوانند این زرافه را از درخت دور کنند. بعد از درخت‌ها تاب خورد

